

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله عقیده اسلامی ۴۰



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

شفاعت در لغت به معنی وسیله و طلب است و در عرف
درخواست خوبی برای دیگری است.
و شفاعت نزد خداوند: درخواست از خداوند برای
گذشت از گناهان و لغزشها برای دیگری است.
و حقیقت آن این است که خداوند به لطف و کرم خود
روز قیامت به بعضی از صالحین از ملائکه، پیامبران و
مؤمنان اجازه می دهد که نزد او در حق بعضی از
گناهکاران اهل توحید شفاعت کنند تا کرامت و بزرگی
شفاعت کنندگان نزد او و رحمت و بخشش او در حق
شفاعت شدگان آشکار شود.

**و شفاعت کردن نزد خداوند جز با دو شرط صحیح
نمی باشد:**
یکی اینکه:

باید الله تعالی به شفاعت کننده اجازه شفاعت بدهد. دلیل
بر این شرط این سخن الله تعالی است: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي
يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾ (بقره ۲۵۵)
«کسیت که نزد او جز به اجازه او شفاعت کند؟»
و می فرماید: ﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ
لَهُ﴾ (سبا ۲۳)

«و شفاعت نزد او جز برای کسی که به او اجازه دهد
سودمند نیست».

دوم اینکه:

خداوند از کسی که برای او شفاعت می شود راضی
باشد. دلیل بر این شرط این سخن الله تعالی می باشد:
﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ آذَنَ﴾ (انبیاء ۲۸)
«و جز برای کسی که خداوند از او راضی باشد شفاعت
نمی کنند».

و نصوص بر این امر دلالت دارند که خداوند جز برای
اهل توحید راضی به شفاعت نیست. در صحیح مسلم از
ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله
علیه وسلم می فرماید: «لِكُلِّ نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ
فَتَعْجَلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ دَعْوَتِي
شَفَاعَةً بِأَمْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَهِيَ نَائِلَةٌ إِنْ شَاءَ
اللَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا»

«برای هر پیامبری دعای مستجابی وجود دارد که همه
پیامبران درخواست خود را کرده اند و من آن را برای
درخواست شفاعت امتم در روز قیامت نگه داشته ام آن ان
شاء الله به هرکس از امت من که چیزی با خداوند شریک
قرار نداده باشد عطا می شود». مسلم (۱۹۹)
و الله تعالی در حق کافران می فرماید: ﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ
شَفَعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ (مدثر ۴۸)
«شفاعت شفاعت کنندگان نفعی به حالشان ندارد».

چنانچه یکی از این دو شرط وجود نداشته باشند، شفاعتی صورت نمی گیرد.

آیا ما می توانیم از اولیاء و انبیای الهی که وفات کرده اند طلب شفاعت نهایییم؟

بنا به دو شرط فوق، چون شفاعت در حقیقت بدون رضایت الله تعالی صورت نمی گیرد، لذا ما نمی توانیم اولیاء یا انبیاء را مورد خطاب قرار دهیم و از آنها بخواهیم که نزد الله برای ما شفاعت کنند، زیرا اولاً آنها مرده اند و صدای ما را نمی شنوند چنانکه الله تعالی می فرماید: خداوند می فرماید: ﴿إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْكَلِمَۃَ﴾ النمل ۸۰. براستی که تو نمی توانی مردگان را شنوا سازی.

و نیز می فرماید: ﴿وَمَا يَسْتَوِی الْأَحْیَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ (فاطر: ۲۲) یعنی: و زندگان و مردگان یکسان نیستند خداست که هر که را بخواهد شنوا می گرداند و تو کسانی را که در گورهایند نمی توانی شنوا سازی.

﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۚ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ ۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ سوره فاطر ۱۴. یعنی: این پروردگار شما الله است که حکومت و خداوندی از آن اوست، کسانی جز الله که شما آنان را به کمک می خوانید حتی به اندازه پسته نازک دور هسته خرما توانایی ندارند، اگر از آنان کمک بخواهید، صدای شما را نمی شنوند و اگر (بر فرض محال) صدایتان را بشنوند، نمی

توانند پاسخ دهند و روز قیامت این شرک شما را انکار می کند و (ای محمد) کسی نمی تواند مانند الله تعالی تو را (از مسائل) آگاه گرداند.

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ۖ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ﴾ (احقاف: ۵-۶) یعنی: کیست گمراه تر از آن کس که جز الله تعالی به کمک می خواند کسانی را که تا روز قیامت به درخواست آنان پاسخ نمی دهند و اصلاً از درخواستشان غافل و بی خبرند و زمانیکه مردم (در میان محشر) جمع می گردند معبودهایشان (بخاطر شرک آنان) دشمنشان گشته و عبادت آنان را انکار می کنند.

ثانیا، شفاعت خواستن از مردگان حال در هر مقام و منزلتی که باشد شرک است زیرا مشرکان عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز به بتهای خویش پناه می جستند و آنها را شفیع خود نزد الله قرار می دادند و این درحالی بود که آنها آن بتها را بعنوان نماد و تجسمی از اولیای صالح قوم خویش قرار داده بودند و هرگز چنین نمی پنداشتند که آن بتهای سنگی یا چوبی خالق آنها یا دیگر مخلوقات است، چنانکه خداوند از آنها نقل می کند:

﴿قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَن يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ وَيُخْرِجُ الْمَمِيتَ

مِنَ الْحَيِّ وَمَن يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۚ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ (یونس ۳۱)

«بگو چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می دهد یا کسیست که بر چشمها و گوشها حاکم است؟ و کسیست که زنده را از مرده و مرده را از زنده برمی انگیزد و کیست که کار [جهان] را تدبیر می کند، زودا که خواهند گفت: الله؛ بگو پس چرا پروا نمی کنید»

و تنها دلیلی برای توجیه شرک خود داشتند این بود که می گفتند: ما آن بتها را عبادت نمی کنیم بلکه فقط آنها را شفیع و واسطه ی بین خود و الله قرار می دهیم تا نزد الله برای ما شفاعت کنند!!

چنانکه قرآن از آنها نقل می کند:

﴿مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ (الزمر ۳)

دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم جز اینکه ما را به خداوند نزدیک می کنند»

﴿وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ (یونس ۱۸)

و می گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!»

پس مشرکان عهد پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز همین توجیهات را می آوردند و این درحالی بود که آنها از اولیاء و صالحان قوم خویش مجسمه هایی ساخته بودند که بت نامیده می شدند و آنها هرگز آن مجسمه های بیجان را واسطه نمی کردند بلکه در حقیقت اولیاء را واسطه می کردند زیرا آن مجسمه ها تمثیلی از اولیاء و صالحانشان بودند.

و متوجه می شویم که آنها به الله اعتقاد راسخ داشتند ولی با این وجود خداوند آنها را به سبب واسطه کردن موجوداتی بین خود و خدا مشرک می خواند.

کتاب و سنت بر اثبات شفاعت نزد خداوند در روز قیامت دلالت دارند. تعدادی از آنها که در کتاب بود را ذکر کردیم اما در سنت احادیثی که در اثبات شفاعت باشد بسیار است از جمله حدیث ابوسعید خدریس است که در

آن رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:
«فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَفَعْتَ الْمَلَائِكَةَ وَشَفَعَ النَّبِيُّونَ وَشَفَعَ الْمُؤْمِنُونَ وَلَمْ يَبْقَ إِلَّا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَيَقْبِضُ قَبْضَةً مِنَ النَّارِ فَيُخْرِجُ مِنْهَا قَوْمًا لَمْ يَعْمَلُوا خَيْرًا قَطُّ»

«خداوند می فرماید ملائکه، پیامبران و مؤمنان شفاعت کنند و جز ارحم الراحمین باقی نمی ماند. خداوند با فضل و کرم خود گروهی را از آتش بیرون می آورد که هرگز در دنیا کار نیکی انجام نداده اند». مسند امام احمد ۳ / ۹۴

احادیث در اثبات شفاعت بسیارند و امامان محقق به تواتر و مشهور بودن آن در کتابهای صحاح و مسانید تصریح کرده اند. در صحیحین آمده: **«يُخْرِجُ مِنَ النَّارِ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حَبَّةٌ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِيْمَانٍ»** «هرکس در قلبش به اندازه دانه خردلی ایمان وجود داشته باشد از آتش خارج می شود». مسلم (۱۸۴).

انواع شفاعت:

شفاعت از لحاظ قبول شدن و نپذیرفتن به دو نوع تقسیم میشود:

۱. مردود و آن این است که یکی از شرطهای شفاعت که قبلاً بحث شد را نداشته باشد.

۲. قبول شده و آن این است که در آن شرطهای شفاعت تحقق یافته باشد. از پیامبر ما صلی الله علیه وسلم هشت نوع شفاعت ثابت است که عبارتند از:

۱. شفاعت عظمی است و آن شفاعت او صلی الله علیه وسلم در حق اهل موقف است تا خداوند بین آنها داوری و قضاوت نماید و آن مقام محمود است و این شفاعت از میان پیامبران صلوات الله علیهم اجمعین تنها به پیامبر ما صلی الله علیه وسلم اختصاص دارد.

۲. شفاعت رسول الله صلی الله علیه وسلم در حق گروهی که حسنات و بدیهایشان با هم برابر است پس برایشان شفات می کند که داخل بهشت شوند.

۳. شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در حق کسانی که مستحق آتش هستند و داخل آن نمی شوند.

۴. شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اهل بهشت تا درجاتشان در بهشت بالاتر رود.

۵. شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد کسانی که بدون حساب و کتاب داخل بهشت شوند.

۶. شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در حق تخفیف

عذاب برای کسانی که مستحق آن هستند مانند شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در حق عمویش ابوطالب.

۷. شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم در حق اهل بهشت که به ایشان اجازه داده شود داخل آن شوند.

۸. شفاعت او صلی الله علیه وسلم در حق اهل کبائر (کسانی که مرتکب گناهان کبیره شده اند و توبه ننموده اند). (مترجم) از امتش از کسانی که داخل جهنم شده اند، تا از آن خارج گردند.

نصوص صحیح بر تمام انواع آن دلالت دارد و بسط آن در

کتابهای سنت و اعتقاد آمده است. از این شفاعت ها

بعضی خاص پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند مانند

شفاعت عظمی و شفاعت او در حق عمویش ابوطالب و

شفاعت او در حق اهل بهشت که داخل آن شوند. و

بعضی از آنها در میان سایر انبیاء و صالحین مشترک است

مانند شفاعت برای اهل گناهان کبیره و چیزهای دیگر از

انواع دیگر شفاعت که بین اهل علم در اختصاص دادن آن

به بعضی و اختصاص ندادن آن به بعضی دیگر اختلاف

وجود دارد. والله اعلم.